

سفارت کلاویو بدر بار تیمور

بقلم آقای دکتر رضازاده شفق

۲

اوضاع اجتماعی و رسوم و عادات

در دوره تیموری از يك نظام اجتماعی ثابتی صحبت کردن عبث باشد زیرا استیلای مغول شیرازۀ زندگانی ثابت جامه ایرانی را از هم گسیخته و آئین حیات را بهم زده و رسم آدمیت را ریشه کن کرده بود. پس در نقل جمله های کوتاه ذیل تنها نظر بحکایت از مشاهدات جسته جسته يك سیاح دقیق اروپائی است:

زنهای شهری معمولاً رومی پوشیده اند و عجب آنکه چادر سفید داشته اند و نقاب سیاه! واقعاً مانند ماه زیر میخ میرفته اند... عادات يك قوم بالینکه ثابت ترین روابط است باز چه تغییراتی بر میدارد! بموجب تاریخ بیهقی مردم در وفات سلطان محمود (۴۲۱) برای مراسم عزای همه لباسهای سفید بر تن کردند! زنهای تیمور در مجالس مهمانی عمومی که از جمله مدعوین همین سفر بوده حاضر شده و بموجب عادت مغول شراب زیاد هم میخوردند.

معلوم می شود وضع خوراک این ملت شریف کمتر تغییر پیدا کرده آش ماست بارشته خوراک معمولی و عمومی آن زمان بوده و باغلب احتمال این خوراک سوات مغول است، چون اینتوم با ماست یا درواقع با شیر ترشیده بارآمده و گوشت اسب هم میخوردند. از همین گوشت اسب مقدار زیادی بخورد رفیق ما کلاویو داده شده و مخصوصاً در طهران يك اسب تمام عیار باکله و دم سرخ کرده سر سفرۀ این مهمانان اروپائی حاضر کرده اند. انواع و اقسام پلو نیز بر سر خوان آماده بوده. شراب مخصوصاً سر سفرۀ خود تیمور باسراف صرف می شده است، و از اینکه کلاویو عادت نداشته و از خوردن آن امتناع ورزیده است درباریان و بالخاصه «خانم بزرگ» زن تیمور ازین حال تعجب مینموده است! معلوم میگردد با وجود استیلای کامل مغولی و تیموری باز زبان معمولی در شمال ایران که منطقه نفوذ مغول بود فارسی بوده است چون کلاویو اولین دفعه که از زبان صحبت کرده بعد از رسیدن بولایت سمرقند است که

گوید « زبان اینسامان مغولی است و در جنوب جیحون کسی آنرا نمی فهمید زیرا در آنجا تمام مردم فارسی صحبت می کنند!! تعارف و هدیه خاصه موقع رسالت به پیش تیمور از ضروریات بوده است و هر که نفیس ترین هدایا را حامل بوده محترم تر بوده است. کلاویو و همراهانش نیز هدایای قیمتی گوناگون از طرف امرای متبوع خود به پیشگاه تیمور بر میداشته اند گرچه آنها نیز خواه بر سر راه و خواه در حضور تیمور بخلعت های متعدد نایل شده اند که معمولاً عبارت از قباها و جبه های زردوز بوده است .

کلاویو بر روی دیوار یکی از عمارات سمرقند نقش شیر و خورشید دیده ولی علامت رسمی تیمور سه دائرة کوچک مرتب بشکل مثلث بوده است . از سکه های رایج آن زمان یکی نقره موسوم به تنگه یا تنگه بوده که بموجب تخمین کلاویو قیمت آن تقریباً معادل پنجریال امروز میشود .

رسم تعظیم در حضور شاهزادگان و شخص تیمور عبارت بوده از زمین گذاردن زانوی راست و بسینه نهادن دستها و کرنش کردن و در حضور تیمور لایق بوده تا تقرب با او این عمل چندین بار تکرار شود .

از مراسم مهمانی و جشن های تیمور نمایش فیل بوده که فیلبانهای مخصوص در آن باب مهارتی داشته اند. نیز صدها آوازه خوان و ساززن بنغمه و نوا می پرداخته اند .

تیمور

مقایسه سجایا و صفات اشخاص از سختترین کارهاست. حتی این عمل در مورد زندگان سخت است تا چه ماند بگذشتگان . وقتی مورخین از پلوتارک شروع کرده تا مومن و گیبون و رانکه بعد از نقل وقایع تاریخ بمقایسه خصایل اشخاص پرداخته و از اسکندر و سزار و آنیبال و آتیلا و چنگیز و تیمور بحث می نمایند الحق وظیفه دشواری بعهده میگیرند بعلت آنکه تعیین حقایق امور آنهم در گذشته بعید بسیار مشکل است، زیرا روایات متناقض با احساسات و ملکات شخصی مورخ بهم آمده و غالباً مسائل را بر خلاف واقع در نظرش مجسم میدارد . برای مثال کافی است شخصی احوال تیمور را از روی عقاید مورخین مغرب زمین مانند ملکم و مرخم؟ و لمب؟ و بحکم روایات نویسندگان مشرقی در عصر خودش مانند شرف الدین علی یزدی و ابن عربشاه قیاس نماید .

با این تفصیل از طرف دیگر باید اعتراف نمود که اگر در محاکمات تاریخی حقیقت امر چنانکه باید مکشوف نمیکردد باز حقایقی گفته می شود خاصه امروز که تاریخ روه بیطرفی گذارده و مستند بوتایق گشته و داخل جرکه علوم گردیده است .

از اخبار چنین مستفاد میگردد که تیمور آدمی بوده است درشت خو و صاحب عزم و اراده و دارای لجاج و عناد و پشت کار. حسن انتقامش بنهایت درجه بوده استبداد رأی شدیدی داشته و بحد افراط مایل بوده است که کوچکترین فرمان او را بزرگترین اشخاص باخضوع و خشوع و بدون سرمویی تحریف بپذیرند. بسیار نظم دوست بوده است و اساس نظم و ترتیب همان میل و فرمان خودش بوده و تمام مملکت با بستی تا جزئیات فرمانی را که از او صادر شده مجرا دارند. مثلا در مسافرت کلاویو و هدر اهاننش در ایران حکمی صادر کرد تا از آنها همه جا پذیرائی کنند و در هر منزل اسب چایاری آماده دارند و ماموری نیز برای اجرای این فرمان همراه آنها کردند و بتصدیق خود کلاویو در سایه این یک فرمان به نقطه مسکون که میرسیده اند مردم از بزرگ و کوچک و حاکم و محکوم بجان میرزیده و با هست و نیست خود آنها را پذیرائی میکرده اند، در موقع ورود بنقطه ای مامور تا یک روستائی ایرانی را می یافت دستار او را بگردنش انداخته کشان کشان می برد تا راهنمائی کند و « رئیس » ده را بانها نشان دهد. رئیس ده لرزان و ترسان حاضر می شده و مامور او را دیده ندیده چند شلاق زده و چند ناسزا گفته امر تیمور را در حالتی که او بخاک افتاده بوده است باو تبلیغ می نموده است! در موقع اقامت کلاویو در سمرقند تیمور امری صادر کرده بود که خیابانی فراخ از وسط شهر باز نمایند و این حکم که مستوجب خراب شدن چندین صدخانه بود در ظرف زمان بسیار کمی اجرا شده بود بی آنکه خسارت مردم را جبران کنند و بدون آنکه کمترین شکایت از کسی شنیده شود. نیز در کوچ دادن هر طایفه ای که تیمور امر می داد و در اسکان آنها در سمرقند، دمی تاخیر جایز نبود. در جشن لشکرگاه فرمان دیگر از طرف تیمور صادر شد تا تمام تجار و کسبه سمرقند با کلیه امتعه خود بلشکرگاه روند و در آنجا بساط گسترند و آذین بندند و با اینکه میدانستند این کار بضرر قطعی آنها تمام شده و گاهی تمام اجناس بعضی از آنها توقیف خواهد شد همگان بلااستثنا از شهر حرکت کردند و در ظرف مدت کوتاهی تمام بازار سمرقند بار دوگاه منتقل شده. تیمور بسیار فعال و بی آرام بوده و تقریباً تمام سی سال اخیر عمر خود را در مسافرت و جنگهای سخت گذرانده و در بین هند و ایران و سوریه و بغداد و ترکستان همیشه در جولان بوده حتی در شدت ضعف پیری بعد از هفتاد سال عمر و بستری شدن در سمرقند، بطوریکه قادر نشد کلاویو و دیگران را برای وداع بحضور پذیرد باز تاجایی پیدا کرد بزم جنگ روبرو ترکستان و چین نهاد و بر سر راه در شهر او ترار جان داد.

تیمور زوجه های متعدد داشته و کلاویو در مجالس جشنی که در ساحل

زرافشان برپا بوده هشت تن آنها را دیده است اولین زوجه تیمور آلجای بوده که نسبت با و دیل مفرطی داشته و تا او زنه بوده رقیبی برای او در حرمسرا نگماشته و از مرگ او بسی آزرده شده . تیمور در همان اوان پیری که از زیادی سن پكها روی چشم هایش را پوشیده بود و مردم را از فاصله کمی هم نمیدید و سوار اسب نمیتوانست بشود و او را بر تخت روان می‌نشاندند باز نشاط جوانان داشته و بسیار خوار بوده و گوشت و شراب بحد افراط صرف میکرده و با آنهمه غلظت و قساوت که او را بود در مجالس پذیرائی و در صرف شراب حال خوش مانوسی هم پیدا مینمود . تیمور در قساوت و سخت دلی و خونخواری نماینده صحیح نژاد خود بود گر چه بعضی مورخین او را در مقایسه با چنگیز حلیم تر تعریف کرده و گفته اند در فتوحات خود خرابکاری کمتر نمود و با مغولین و اسرای خود بهتر از چنگیز معامله کرد و مخصوصاً بحکم آنکه مذهب اسلام داشت مساجد و بقاع متبر که را از آسیب یغما مصون داشت و علما و روحانیان را حفظ و حمایت نمود . شاید بتوان در مقابل قساوت چنگیزی تیمور را بحکم این سخنان ملایم تر بشمار آورد ولی از طرف دیگر این شخص از بیرحم ترین افراد بشر بود شاهد این قضیه اعمال اوست اینک نمونه ای از قساوت او :

در فتح قلعه سزوار دوهزار نفر را زنده لای چین کرده و از اجساد آنها مناره ساخت . ازین منارهای مرده انسان دو عدد را خود کلاویو دیده است ، در فتح اصفهان بیهانه اینکه مردم آنجا از دادن مالیات امتناع ورزیده بودند هفتاد هزار تن را بکشت و از کله های آنها مناره ساخت . بعد از تصرف بغداد قول این عربشاه فرمان داد تا هر يك سپاهی که عدد آنها بیست هزار بود دو سر از تن های مغولین ببرند . در سیواس (آسیای صغیر) ۴۰۰۰ نفر را زنده بخاک کرد !

تیمور در سیاست داخلی نیز همین قساوت را داشته و بمحض استماع خبر نافرمانی فردی نسبت با حکام او متهم را باشد عقوبات میکشید و هیچگونه شفاعت قبول نمیکرد . از جمله در حضور کلاویو خبر آوردند که دینا حاکم سمرقند نافرمانی کرده و سوء استعمالها روا داشته . تیمور بلا تردید دینا را که شخص معروفی بود احضار و حکم باعدام اونمود . یکی از درباریان مقرب تیمور که خویش یا نوه اش نیز بود و برونندی میرزا یا بوتو میرزا نام داشت خواست ازین محکوم شفاعتی نماید و حاضر شد چهارصد هزار سکه نقره تقدیم دارد . تیمور وجه را بامتنان پذیرفت و امر کرد برونندی میرزا شکنجه دهند تا مگر پول بیشتری بدست آورند و چون مایوس شدند حکم کرد او را وارونه بدار آویختند !

وقتی تیمور با این مراتب باز نسبت بچنگیز رحیم القلب شمرده میشده حال چنگیز معلوم است ! از مقایسه های دیگر که بین تیمور و چنگیز شده

چند حمله از فصل ششم کتاب شیرین «لمب» نقل کرده و آنرا خانمه مقال قرار میدهد، و معلوم نیست این مؤلف محترم که نگارنده را با ایشان سابقه آشنائی هست این اقتباس و استفاده را از طرف کسی که قضاوتش درباره تیمور سبب قضاوت ایشان سخت تر است معذور خواهند داشت یا نه:

«چنگیز صبور و متحمل بود تیمور گستاخ و ناشکیب. چنگیز بعد از دوره جوانی احکام چنگ و حمله را از اردو گاه صادر میکرد تیمور معمولاً خودش هم جنگ میکرد. چنگیز در اداره امور با وزرای خود شور می نمود ولی تیمور تمام مسئولیت را بعهده خود داشت و باراده خودش عمل می کرد و نتیجه این شد اعقاب چنگیز که در زمان حیات او آزمایش و اختیارات داشتند دولت عظیم مغول را بعد از او مدتی بخوبی اداره کردند در صورتیکه اخلاف تیمور بعد از او انتساق و وحدت خود را باختند و دولت او متزلزل شد. چنگیز در تنظیم لشکر و تهیه نقشه دقت تام بکار می برد و روزها فکر و مشورت میکرد و از مصادمه های بی نتیجه احتراز مینمود و همواره بر کز قوای مخاصم هجوم و آن قوا را محو می کرد. پس حمله چنگیز سنجیده بود و محکم و قطعی و شدید و ازین حیث خبر حرکت چنگیز موخس بود و رعب شدید بدلاها جاری می ساخت و مردم اطراف روزها قبل از نمودار شدن مغول دچار فلج جسمی و روحی می شدند. ولی تیمور وسرکردگانش با اینکه در اول امر بی تهیه و بی نقشه نبودند معمولاً متهور بودند و خود را نامغلوب می پنداشتند. تیمور بی ملاحظه اقدام می نمود و بهر جنگی تن میداد و شخصاً هجوم میکرد گوا اینکه همیشه می برد. در نتیجه این تهورها بود که با چند صد تن سپاهی از اردو جاو تر افتاده و حمله بیفداد برد که اگر سردار مغول بود اینگونه بی احتیاطی روا نمی داشت.»

دو رباعی

از بیم رقیب گفتگویت نکنم
وز طعنه غیر جستجویت نکنم
لب بستم و از پای نشستم اما
این توانم که آرزویت نکنم
منسوب بشیخ ابو سعید ابو الخیر

قصه چه کنم که اشتیاق تو چکد
بامن دل پر زرق و شاق تو چکد
چون زلف دراز تو شبی می باید
تا باتو بگویم که فراق تو چکد
مهستی گنجوی